

میر بر جمع است بسوی نوم پس الیک المصیر و مناسبت جوار او در
رجوع بسوی خواجگاهت لیکن در هر یکی از صاحب و الیک العرش و الیک المصیر
مردی است و در دستت زیرا که حاصل هر دو یک است که رجوع بسوی خداست
بعد از موت و احضار است سهل است قوله اللهم اذ الی العنی در صحیح مسلم مردی
از ابن مسعود رضی الله عنه فرمود که خاندن مغیره در صبح دعا را با خدا
تفحیف من نیا به میجویم تو از کا بهی در طاعت و از کلان سالی که موجب عقیقت
و در دست بود که مشغول است بر انواع بلا الشیبه کلمه تحت فرمودند
اند و بگویند که در کلان سالی با یقین ما را نزد فرات عیش و از فتنه دنیا
مفتون شدن محبت دنیا یافته که کاین است در دنیا و مانع از سبک
در راه خدا نیاید قوله صبی و اصبح الملک یعنی در سن بود او در دست
از ابومالک خاندن آنحضرت در صبح دعا را در خوش عقوبت
گذشت قوله فتحه و فتره و فحی و فصره که همان خبر از ایوم و هذه اللیله
از فصل تفصیل بعد از نماز است اضافه است هر یک پنج نوبت است اول
می گویم از کونیا این روز را مثلاً که فتح و فخر شهرهای اعدای دین اسلام
درین روز یار شب بر دشمنان ظاهری و پنهانی باطنی که اعدای الاعداء است
قوله و نوره و برکت و هداه و سوال میکنم از تو یکتا این روز را یار شب که نور است
در این روز یار شب از دوام اگاهی از جناب الهی که نسبت به بندگای خاص است
و بسبب آن سلوک صراط مستقیم یار شب معاصیه کرده بعمل می آید و در آن
ای موالیت طاعت و عبادت بر استقامت و هدایت است در آن
یار شب که بافت مطاب علیه و مقاصد سینه است با حسن خالفت دنیا و آخرت

تو از بدی

تو از بدی خبری که در روز یار شب و چو خبری که بعد ازین روز یار شب
کرد و در حال یاد در استقبال ای از خبری که حضرت در دین و عقل است
در دنیا در غل است از خدمت حضور جن جل و علا یعنی عارفان دعا
کرده اند اللهم سیر امورنا مع اراجیه اقلوبنا و ابداننا قوله اللهم صیبتنا
و یک مسیبتنا یعنی در سن اربعه و صحیح ابن حبان و مسند امام احمد و صحیح ابویوسف
مردی است از ابویهریره رضی الله عنه فرمودند که بعد از این دعا را در صبح و
اللهم یک استینار و در سالی با خدا یا بحفظ و با بی دونه بخبر می دیکر در اصل
شکل ایم و صبح دعا را در آن یک در دعا و قوله یک بخبر می دیکر در حکایت
حال است که است ای بذات تو بنام تو خبر بخبر می دیکر در است حال حیات
و حیات ما مقبست از قول حق تعالی انی صلوئی و انی کلمی و محامی و محامی
فیکر که در سن این نهایت اخلاص است و خلاصی از یاد و محبت از آنرا قول
خود و الیک العرش و بسوی است لعنت در زنده شدن بعد از موت و رجوع
البوعوانه المصیر است بدل العرش و مصیر مناسبت در دعا که مصیر بسوی نوم
در آن و عجیب است از مصحح که برای خود مناسبت معنوی گفته است که مصیر
و فتور و صبح دعا را الهوا الصبح و در روایت بود او در دعا و صبح دعا است
در روایت ترمذی که در هر دو مصیر است طعن کرده که دعوی است از روایت
و حال آنکه روایت ابو داؤد و ترمذی اکثر است در اعتبار از روایت ابو داؤد
و حاصل هر دو یکی است با آنکه مناسبت بخبر می شورش و مناسبت نور مصیر
نوعی است از لغت ترمذی که که از باب کلمات اللطیفه کاظمی
السموات و الارض قائم العینک الشهاده رب کل شیء